

کیارستمی در روایت حافظ

◆◆◆

خروش منتقدان

وقتی در سال ۱۳۸۵ کتاب «حافظ به روایت کیارستمی» منتشر شد به شکلی قابل پیش بینی، صف بندی موافقان و مخالفان به بحث های دامنه داری منجر شد. اگر بهاء الدین خرمشاهی بر این کتاب مقدمه ای ستایش آمیز نوشت، داریوش آشوری به انتقاد از آن برخاست. نکته این جا بود که هر دو طرف، طرح مبحث را از حافظ آغاز می کردند و در رد یا قبول یکدیگر به تصویر و تصور مخاطب از کلیتی به نام «شعر حافظ» سخن می گفتند. انتقادهای داریوش آشوری و برخی دیگر از منتقدان، نشان می داد که نظام اندیشگانی در این شکل ارائه، قابل تطابق با آن «حافظی که می شناسیم» نیست؛ از آن سو تکیه خرمشاهی بر اینکه این کتاب «یک تنوع هنری مهم در کار و بار شعر و حافظ پژوهی است» گواهی بر تکیه هر دو جناح بر یک امر بود: «اثری متصل به حافظ پژوهی».

◆◆◆

هنر مدرن، کلید تفسیر کار کیارستمی

بر پیشانی این کتاب سخنی از رمبو آمده که بر «مطلقا مدرن بودن» تأکید دارد. اگر چه برخی منتقدان با تکیه بر همین جمله بر کیارستمی تاختند و آن را دستمایه و باب ورود به نقد کل جریان روشنفکری و مدرن ایران پنداشتند! اما آنچه در این میان مغفول ماند نقش عنصر مدرنیت با این اثر بود. چنانکه از متون پیرامون این کتاب - چه در مخالفت و چه در موافقت - بر می آید، طرفین باوری بر اصل استقلال این اثر ندارند. در تمامی نوشته ها، آنچه اهمیت دارد، حافظ است و نظام زیبایی شناختی و اندیشگانی اش. حال آنکه اشاره روشن کیارستمی به مدرنیت می تواند کلید تفسیر این «فعل هنری» کیارستمی باشد.

◆◆◆

تفسیر

در هنر معاصر تمهیدی برای خلق اثر هنری هست با نام «از آن خودسازی» (Appropriation)؛ بدان معنا که هنرمند با جعل (Forgery) یک اثر، به تمالک و تولید یک اثر جدید دست می زند. در این شکل از خلق، پیشینه یک اثر هنری در جهت تفسیر اثر جدید استفاده می شود و تفاوت ها و مشابهت ها، کلیدهای گشایش و دریافت اثر جدید محسوب می شوند. آنچه کیارستمی با شعر حافظ می کند همان است که ریچارد پرنس با عکس سم ایبل می کند؛ بدان معنا که با فروپاشی بافت اثر سابق، به تولید اثری نو می رسد. در این راستا، کیارستمی با انحراف از گزاره سنتی «بیت به مثابه کوچک ترین واحد معنایی شعر» هم فرمی متفاوت از اثر پیشین را ارائه می دهد و هم به تولید معنایی جدید نائل می شود. کیارستمی به اعتبار آنچه آن را دموکراتیزه شدن هنر در عصر مدرن می شناسیم، ضمن ایجاد بستری برای تولید انبوه و مکانیکی آثار هنری، همان کاری را می کند که والتر بنیامین در باب هنر مدرن گفته است؛ یعنی باز کردن گرد هنری از یک اثر، یکتایی و اصالت را از اثر پیشین، سلب و آن را مردمی تر می کند. مخاطب این کتاب کیارستمی، باید بداند که آنچه پیش رویش است در فرآیند بازتولید، آن اصالت متکی به شناسنامه تاریخی اش را از دست داده است. این مصاریع مقطع، در فصول نوین، ارتباطی با «حافظی که می شناسیم» ندارد، چون غایت و هدف کیارستمی اصولا این نبوده است. بدین شکل، این اثر، در قالب آن مقدمه ستایش آمیز هم نخواهد گنجید، چرا که این اثر در مطالعات حافظ پژوهی هم ناکارآمد است.

چنانکه آمد، به عقیده نگارنده، مادر این کتاب با یک اثر هنری مستقل مواجهیم که در رابطه بینامتنیتی تفسیر می شود اما «این همانند» اثر پیشین نیست. بنابراین نام ضمنی «کیارستمی در روایت حافظ» از نام «حافظ به روایت کیارستمی» نامی دقیق تر می نماید.



يك ميزگرد سه نفره

به علاوه فروغ و کیارستمی!

محبوبه عظیم زاده / یک طرف عباس خان کیارستمی نشسته است و دو طرف دیگر جانانان ژنابام (یکی از شاخص ترین و مشهور ترین منتقدان سینمایی) و مهرناز سعیدوفا (کارشناس و مدرس سینما). این جایک میزگرد سه نفره برقرار است. جان می دهد برای عشاق سینما؛ اینکه بنشین یغل دستشان، دستت را بگذاری زیر چانه ات و محو آن ها شوی و محو صحبت هایشان. از هر دری سخنی است. از عکس ها و شعرهای کیارستمی گرفته تا فیلم، سینما، مخاطب هایش در گوشه و کنار جهان، صحنه ها، سکانس ها و تمام خاطرات و اتفاقاتی که در خلال آن ها رخ داده است.

کتاب «عباس کیارستمی» حاصل کار مشترک جانانان ژنابام و مهرناز سعیدوفا است. کتابی که اگر اصل موضوعش را (همین که عباس کیارستمی و کارنامه کاری اش را به عنوان یک هنرمند جهانی مورد هدف قرار داده است) بارزترین ویژگی آن به لحاظ محتوایی در نظر بگیریم، حتما بهترین مشخصه آن به لحاظ ساختاری می شود تنظیم گفت و گو محورش؛ هم میان ژنابام و سعیدوفا با یکدیگر و مهم تر از آن، میان آن ها با کیارستمی، چه در سانسورسیسکو و چه در شیکاگو. البته این تمام قضیه نیست. بخش بندی کتاب متنوع تر از این حرف هاست و البته جذاب تر. اصلا راستش را بخواهید به نظر من همین که کتابی با محوریت عباس کیارستمی ورق می خورد تا این حد پر فروغ، و با تکیه بر «خانه سیاه است» و اثرگذاری آن در سینمای ایران، آدم باید کلاهش را ببنداد زده هوا. کاری که رزنابام در مقاله اش در ابتدای کتاب انجام داده است، چیزی که در وهله اول شاید خیلی ها به سراغش نروند، اما علاوه بر این موارد، سه قسمت دیگر هم ضمیمه کتاب است: «درباره شیرین»، «در حاشیه کپی برابر اصل» و «تأملاتی درباره مثل یک عاشق».

در ضمن اگر مایل هستید خیلی شسته و رفته اطلاعات اولیه و البته جامعی را درباره آثار کیارستمی به دست بیاورید، فیلم شناسی آخر کتاب خیلی به دردتان خواهد خورد.

◆◆◆

نمونه: گرچه به نظر کیارستمی در بحث از سینمای ایران بعد از فروغ در رتبه دوم می ایستد، در سینمای معاصر جهان هیچ رقیبی ندارد.

◆◆◆

ناشر: چشمه / سال چاپ: ۱۳۹۷ / تعداد صفحات: ۱۶۲ / قیمت: ۱۶۰۰ تومان



پرتاب شدن

به يك تجربه ناب انسانی

عاطفه همایونی / «مکنونات درونی هرکسی از آنچه که بر او تحمیل شده باشد قوی تر و رساتر است. وقتی آنچه که در ذهن شما می گذرد از آنچه که در خارج از شما اتفاق می افتد قوی تر باشد در مسیر درستی قرار گرفته اید.»

«سر کلاس با کیارستمی» قطعاً رتار از کتابی با محتوای سینمایی برای فیلم سازان است. در کنار راهکارهای عملی برای فیلم سازی خلاق، این کتاب سراسر درس گفتارهایی برای زندگی است. لحن آرام و تأثیرگذار کیارستمی گاهی شما را به تجربه ها و لحظاتی از زندگی خودتان پرتاب می کند و نوعی روشنگری حسی را برای شما به وجود می آورد. درواقع این کتاب شامل مصاحبه ها و یادداشت برداری های کرونین، فیلم ساز آمریکایی، از کارگاه های آموزشی کیارستمی و صحبت هایی در حاشیه این کلاس هاست که در تهران و شهرهای مختلف دنیا برگزار شده است. مشخصاً پال کرونین، در یادداشت برداری از درس گفتارهای کیارستمی با توجه به گفته های خودش بیشتر متمرکز بر «توجه کیارستمی به بیان شاعرانه، به حرارت میان فضای دو خط، و به یافتن رازالودگی در پدیده هاست.» کرونین صراحت بیان او با شاگردانش را تحسین می کرد و آرامش و درویش مایی او را دلیل شکل گیری ارتباط عمیق و درک متقابل بین او و شاگردانش می دانست. کرونین می گوید: «این کتاب ادای دینی است به رویکرد هنری و نگرش فلسفی کیارستمی به هستی، و ارتباط حسی او با پیرامونش.» هر چند به ظاهر این کتاب ملغمه ای از گفته های پی درپی کیارستمی و شاگردانش در کارگاه های آموزشی است، اما این گفته ها به کوشش کرونین چنان منظم از پی هم آمده که در پایان کتاب، این احساس را به خواننده القا می کند که کلاسی تجربی را با کیارستمی گذرانده ایم.

◆◆◆

نمونه: «همیشه باد برایم با حسی شوم همراه بوده است. وقتی که صدای باد را می شنوم، نگرانی هایم هم بروز می کنند. روحم به جنبش در می آید. آنچه مشغول انجامش هستم را کنار می گذارم و سوی پنجره می روم. طبیعت قلمرو خود را بازمی ستاند. هیچ چیز مهم تر از شاهد عظمت طبیعت بودن نیست. این خود را وانهادن است.»

◆◆◆

ناشر: نظر / چاپ پنجم: ۱۳۹۴ / تعداد صفحات: ۲۲۱ / قیمت: ۱۷۰۰ تومان